



## بیانات رهبر انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان - 12 / مهر / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به همه‌ی شما عزیزان که واقعاً فرزندان عزیز این ملت هستید و نور چشمان ما هستید، باید مبارکباد بگوئیم، به خاطر حضور در مجموعه‌ی نخبگانی کشور. البته این «مبارکباد» مثل مبارکبادهای جشن تولد است، که در جشن تولد به آن شخص مبارکباد میگویند، در حالی که او در تعیین زمان تولد و تاریخ تولد و اصل تولد هیچ نقشی نداشته. پس این به معنای این است که خدای متعال يك فرصتی را به شما داده، خوشبختانه توفیق هم پیدا کرده‌اید که از این فرصت تا اینجا استفاده کنید و جزو مجموعه‌ی نخبگانی واقع شوید؛ این مبارک است بر شما؛ لیکن این استعداد، این توانائی، این فعلیتی که تا امروز پیدا کرده‌اید، ورود در يك راه است، آغاز يك راه است، پایان يك راه نیست؛ این را باید همه‌ی نخبگان عزیز جوان ما در نظر داشته باشند.

ما قانع نیستیم، شما هم قانع نباشید به این که جوان با استعداد برجسته‌ی ما توانست در يك بخشی، در يك آزمون بزرگی، نخبگی خودش را نشان بدهد؛ به این مقدار، نه من قانعم، نه شما قانع باشید. توقع من و توقع شما باید این باشد که این بذر به ثمرنشسته تبدیل شود به يك نهال برومند، و تبدیل شود به يك شجره‌ی طیبه‌ای که «تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»؛ (1) درخت ثمربخشی شوید که در همه‌ی زمانها، در همه‌ی موقعیتها، بتوانید میوه‌ی شیرین خودتان را به کام این کشور، این ملت، این تاریخ و در نهایت به کام بشریت بچشانید؛ این باید هدف باشد.

اما در مورد جلسه‌ی امروز. من با دقت به مطالبی که این عزیزان آمدند اینجا بیان کردند، گوش کردم. تصدیق میکنم که نظرات، نظرات سنجیده و خوبی بود؛ نه به معنای اینکه از نگاه کارشناسی، انسان بتواند همه‌ی این پیشنهادها را تصدیق کند - این نیاز به بررسی دارد - اما از این نظر که انسان احساس میکند و می‌بیند که این نظرات و این پیشنهادها، با فکر و با سنجیدگی مورد مطالعه قرار گرفته و بیان شده؛ این خیلی برای من ارزشمند است.

خب، مسئولین محترم در مجلس حضور دارند - چند نفر از وزرای محترم و رئیس محترم بنیاد نخبگان - من انتظارم این است که نظراتی که این جوانهای عزیز بیان کردند، مورد توجه قرار بگیرد، روی اینها کار شود، بررسی شود. ای بسا جرقه‌هایی که میتواند منتهی شود به يك نور بزرگ و شعله‌ای فراگیر که فضا را روشن کند. و توجه شود به این که این نظرات از دل‌های صادق صادر شده؛ این هم خیلی مهم است. در همه‌ی این مطالبی که دوستان گفتند و من رؤس مطالب را یادداشت کردم، انسان همین نکته را مشاهده میکند: برخاسته‌ی از صدق و صفا و احساس شیرین موجود در ذهن جوان و دل جوان، که احساس مسئولیت میکند و با امید و با نشاط حرف میزند. این از آن چیزهایی است که اصلاً فضا را شیرین میکند. وقتی جوانها با آن امید و با آن نشاط و با آن روحیه حرف میزنند، فضا، فضای پرنشاطی میشود؛ این پیشنهادها غالباً اینجور است. البته این مطالب، سنجیده هم هست؛ یعنی آنچه دوستان بیان کردند، پیشنهادهای خامی به نظرم نرسید.

خب، اصلی‌ترین محور پیشرفت کشور، همین است. امام بزرگوار ما در يك حادثه‌ی مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید - در قضیه‌ی یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، يك پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح الفتوح انقلاب ما تربیت این جوانهاست؛ که در آن شرایط دشواری که همه‌ی دنیا در مقابل ما با چهره‌ی دژم و سلاح آماده‌ی شلیک ایستاده بودند، اینها توانستند يك چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ عملیات طریق القدس بود. من همین را تکرار میکنم: فتح الفتوح انقلاب اسلامی اینهاست.

پیشرفت واقعی این است که جوانهای ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه



تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند. این چیزی است که امروز وجود دارد؛ این را باید تقویت کرد، این را باید پیش برد. این احساس و روحیه‌ی نشاط را باید روزه‌روز در جامعه‌ی ما تشدید کرد. اگر این شد، آن وقت این دارائی شخصی شما - این استعداد و این نخبگی که یک دارائی شخصی است - تبدیل خواهد شد به دارائی ملی؛ ببینید چقدر خوب است. یک نفر سرمایه‌ی خودش را به طلا و ارز تبدیل میکند و می‌رود توی صندوقخانه‌ی منزل خودش پنهان میکند؛ این کجا، آن که می‌آید سرمایه را تبدیل میکند به یک صنعت، به یک کارخانه، به یک کار تولیدی باارزش، و کشور را پیش میبرد، این کجا؟ شما با حرکت در راه این هدفها، این کار دوم را دارید میکنید؛ یعنی سرمایه‌ی شخصی خودتان را تبدیل میکنید به یک سرمایه‌ی ملی، به سرمایه‌ی ملت ایران؛ این خیلی باارزش است.

خوشبختانه فضای گفتمانی در کشور در جهت پیشرفت علم است؛ این دیگر بحمدالله تثبیت شده و جاافتاده است. حرکت علمی در کشور، یک حرکت پرشتابی است - همین طور که آمارهای جهانی هم این را نشان میدهد - ولی نگرانی من از این است که احساس رضایتی که از این موقعیت و از این وضعیت به ما دست میدهد، ما را بی‌خیال کند، همت ما را کم کند. برمیگردم به آن حرف اول، که عزیزان من! هم شما در آغاز یک راهید، هم کشور در آغاز یک راه است. ببینید، ما به خاطر خباثت و سستی و استبداد و وابستگی حکومتهای گوناگونی که در طول دورانهای اخیر داشتیم، از قافله‌ی علمی جهان عقبیم. تقریباً شاید بشود گفت سه قرن، ما عقبیم. ما غفلت کردیم. رهبران سیاسی کشور، زمامداران کشور غرق در عیش و نوش و رسیدگی به نیازهای شخصی و تکبر و استکبار نسبت به مردم شدند؛ از اوضاع و احوال دنیا غافل شدند؛ هم از لحاظ سیاسی ضرر کردیم، هم خسارت‌بارتر، از لحاظ پیشرفت علمی ضرر کردیم. در این میدان مسابقه که در قرنهای گذشته ما جلوتر از دیگران بودیم، بعد از آنکه همه‌ی دنیا تقریباً یک جور حرکت میکردند، ملت‌هایی توانستند به یک وسیله‌ی نقلیه‌ی سریع‌السیری دست پیدا کنند، از ما جلو افتادند؛ لذا فاصله‌ی ما همی زیاد شد. آنها چون جلوتر از ما بودند، جلوتر از ما به وسیله‌ی نقلیه‌ی سریع‌السیرتری دست پیدا کردند؛ لذا فاصله بیشتر شد - این یک تمثیل است - ما که متوقف بودیم، یا حداکثر به پسماندهای کارهای دیگران و ساخته‌های دیگران اکتفاء میکردیم، فاصله‌ی ما با دنیائی که روزه‌روز میدانهای جدیدی را کشف میکرد، بیشتر شد. انقلاب اسلامی آمد، همه‌ی ماها را بیدار کرد، همتها را در ما برانگیخت، استعدادهای ما را بیدار کرد. شتابی که ما امروز داریم، ده برابر، یازده برابر، سیزده برابر شتاب متعارف و متوسط علمی در دنیاست. این خیلی خوب است، اما فاصله زیاد است. اگر چنانچه مثلاً بیست سال - حالا من که میگویم بیست سال، روی محاسبه‌ی دقیق نمیگویم؛ همین طور حدسی میگویم - ما همین شتاب ده برابر را، دوازده برابر نسبت به پیشرفت علمی جهان را ادامه دهیم، خواهیم رسید به آن نقطه‌ای که متناسب ملت ایران است؛ متناسب تاریخ ماست، گذشته‌ی ماست، مواریث علمی ماست، و متناسب اهمیت ماست. بنابراین نباید بگذاریم این حرکت از دور بیفتد. اگر حرکت از دور افتاد، بازیابی و بازسازی آن دشوارتر خواهد بود. و این کار شما جوانهاست. جوانها باید همتهای خود را زیاد کنند. احساس کنید که هم شما در آغاز یک راه طولانی و مهمید، هم کشور در آغاز یک راه طولانی و مهم است.

البته من به هیچ وجه توصیه نمیکنم که شما مرعوب پیشرفتهای غرب شوید - ابد - آن پیشرفتهای که خاطر زودتر وارد یک مرحله شدن و متکی به ظلم و استکبار و استعمار است. اگر انگلیسی‌ها هند را، برمه را، آن منطقه‌ی ثروتمند آسیا را استعمار نمیکردند، غصب نمیکردند، ثروتهایش را بالا نمیکشیدند - که خود هندی‌ها در یک دوره‌ی تاریخی، خیلی خوب این وضع را ترسیم کردند - مسلماً نمیتوانستند به اینجا برسند. اینها مثل زالو از دیگران مکیدند و خودشان را فربه کردند؛ ما نمیخواهیم این کار را بکنیم. ما به هیچ وجه به دنبال مکیدن دیگران نیستیم. ما درون‌زائی و درون‌جوشی را تقویت میکنیم، و معتقدیم میشود، و ان‌شاءالله پیش خواهیم رفت. بنابراین، این



نکته‌ی اول، که نگذارید حرکت از دور بیفتد.

نکته‌ی دوم اینکه، هم مسئولین و مدیران دستگاه‌های ذی‌ربط با حرکت علمی مسئولیت‌هایی دارند، هم خود نخبگان مسئولیت‌هایی دارند. من خرسند شدم از اینکه دیدم چند نفر از جوانهای عزیز ما اینجا تصریح کردند که نخبه خودش را طلبگار از نظام نمیداند، طلبگار از مردم نمیداند - به این مضمون بیان کردند - خودش را کسی میداند که میتواند به این مردم خدمت کند و موظف است که این خدمت را انجام دهد. این خیلی روحیه‌ی خوبی است. در عین حال مسئولیت‌هایی وجود دارد.

البته مسئولان، خوب کار کردند. من بررسی کردم و گزارشهای نزدیک را گرفتم. میدانید من معمولاً به گزارشهایی که دوستان و مدیران می‌آیند ابراز میکنند، اکتفاء نمیکنم. خب، گزارشهایی که به طور رسمی گفته میشود، غالباً گزارشهای مطلوب و رنگ‌آمیزی شده‌ی قشنگی است؛ انسان از راه‌های دیگر میتواند کشف کند. علاوه بر اینکه گزارشهایی که مدیران دادند، گزارشهای خوبی بود و امروز هم خانم رئیس بنیاد مطرح کردند، من از طرق دیگر هم تحقیق کردم، دیدم انصافاً در بنیاد نخبگان دارد خوب کار میشود و تلاش، تلاش بسیار خوبی است. خب، يك نکته این است که در حوزه‌ی علوم فنی و حوزه‌ی علوم انسانی، معیارها دوگانه است. البته حالا يك جوان عزیزی باز در مورد علوم فنی هم تفکیک قائل میشوند بین علوم محض و علوم صنعتی و فنی؛ که این هم نکته‌ی قابل توجهی است. اما به هر حال مایزی وجود دارد بین معیارهای نخبگی و زبده‌ی در علوم فنی و علوم انسانی. مترها يك اندازه نیست، معیارها يك جور نیست؛ به این نکته توجه شود. ما لازم داریم که در زمینه‌ی علوم انسانی - که امروز يك نیاز بسیار اساسی کشور ماست - به تازه‌ها، برجستگی‌ها و نوآوری‌ها دست پیدا کنیم؛ این کلید اساسی پیشرفت نهایی و بنیادی و ریشه‌دار کشور است. بنابراین لازم است معیارها درست انتخاب شود. يك نکته‌ی دیگر این است که حمایت از نخبه، در درجه‌ی اول باید به معنای ایجاد فرصت پژوهش و تحصیل و پیشرفت باشد. البته من به هیچ وجه مخالف حمایت‌های مالی و مادی و اینها نیستم، بلکه لازم است آن کارها انجام بگیرد؛ لیکن مهمتر از آن این است که نخبه احساس کند فضای تنفس علمی دارد. آن چیزی که مکرر به ما منتقل میشود، این است که نخبگان و برجستگان مایلند يك میدان وسیعی باشد که بتوانند به اقتضای نخبگی و استعداد برتر، در آن بتازند؛ این را باید فراهم کرد. البته این، راه‌های گوناگونی دارد. تشخیص راه‌ها، ارائه‌ی راه‌ها و پیشنهادها کار ما نیست؛ کار کارشناس‌های ذی‌ربط است. البته امروز جوانها نظراتی هم دادند. این را باید تأمین کرد تا نخبه بتواند احساس کند که میدان کار و پیشرفت برای او وجود دارد.

نکته‌ی دیگر این است که ما مسئله‌ی رعایت نخبگان و نگاه به نخبگان را به يك حالت شبکه‌ای در بیاوریم. ما نخبه را شناسائی میکنیم، انتخاب میکنیم، کمک میکنیم و ثبات در حرکت نخبگی به او میدهیم؛ این کافی نیست. باید يك حرکت شبکه‌ای سازنده و يك چرخه به وجود بیاید، که از پرورش و ساخت نخبه آغاز میشود؛ یعنی مربیگری. ریشه و پایه هم در آموزش و پرورش است؛ همچنان که یکی از جوانها گفت. ما باید استعدادهای نخبه را شناسائی کنیم و تربیت کنیم، بعد در میان اینها گزینش و انتخاب لازم است؛ بعضی نخبه‌ترند، بعضی استعدادهای برترند؛ انتخاب بهترینها. بعد از آن، نگهداری و ارتقاء است؛ نه فقط نگهداری، بلکه نگهداری همراه با ارتقاء و پیشرفت. کمک کنید این نخبه اگر امروز در رتبه‌ی دهم است، در آینده‌ی نه چندان دوری به رتبه‌ی اول برسد؛ ارتقاء پیدا کند. بعد این نخبه، خود وارد چرخه‌ی نخبه‌سازی شود - یعنی حالت شبکه‌ای پیدا کند - خود این نخبه، نخبه‌ساز و نخبه‌پرور شود. در این صورت، حالت درون‌زائی به وجود خواهد آمد و حرکت مضاعف خواهد شد. اگر ما يك چنین شیوه‌ای را در پیش بگیریم، به نظر میرسد که کار پیشرفت خواهد کرد.

يك نکته‌ی دیگر که مربوط به مسئولین محترم است، مربوط میشود به سند راهبردی نخبگان؛ که این پیشنهاد شد. خوشبختانه چیز خوبی تهیه شده. من خودم ندیدم، اما دوستانی که بررسی کردند، قضاوتشان این است که این سند



راهبردی، بسیار خوب و جامع تهیه شده. خب، در مرحله‌ای از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تصویب شده، اما باید سریعاً به تصویب نهائی برسد و سریعاً ابلاغ شود. وقتی ابلاغ شد، همه‌ی دستگاه‌ها در اجرای آن همکاری و هم‌افزائی کنند. اگر چنانچه سند راهبردی نخبگان - آنطوری که برای من نقل کردند تهیه شده - تصویب شود و ابلاغ شود، بسیاری از این سؤالات و نقاط ابهام به خودی خود برطرف خواهد شد.

اما در مورد مسئولیت شما نخبگان عزیز. عرض کردیم خود را در آغاز راه بدانید. سعی کنید در طراز نخبگی باقی بمانید. امروز شما نخبه‌اید، اما مسابقه است؛ ممکن است سطح علمی کشور به حدی برسد که این مقدار، نصاب نخبگی نباشد؛ لازم باشد انسان به نصاب بالاتری دست پیدا کند. ما در سند چشم‌انداز بیست ساله آوردیم که در سال 1404 از لحاظ علمی، در رتبه‌ی اول منطقه باشیم. بعضی از مسئولین میگویند آقا شما گفتید سال 1404، اما حالا که 1391 است، از لحاظ علمی در رتبه‌ی اول منطقه هستیم. خب، این حرف درست است؛ اما این، آن حرف نیست. حالا آخر راه نیست، وسط راهیم، اول کاریم. باید بتوانید این رتبه‌ی اولی را از 1391 - که امسال است - تا 1404 نگه دارید؛ ببینید اقتضای این نگهداری چیست؟ خیلی کار لازم دارد. یک یا علی گفتید و یک جهشی کردید؛ خیلی خوب، رسیدید به رتبه‌ی اول؛ اما دیگران که بیکار ننشسته‌اند. در منطقه، دیگران هم میخواهند رتبه‌ی اول باشند، رتبه‌ی بالاتر باشند؛ آنها هم دارند تلاش میکنند. بنابراین باید بتوانید این نخبگی را حفظ کنید. در مورد اشخاص شما هم عیناً این صدق میکند؛ باید اثرگذاری داشته باشید. همان طور که عرض کردیم، در این شبکه‌ی نخبگانی، باید بتوانید فضای پیرامون خودتان را به سمت نخبه شدن سوق دهید؛ این یک کار مهمی است، جزو وظائف مهم نخبگان است.

یک مسئولیت دیگری که من یادداشت کردم، این است که تلاش خودتان را معطوف به نیازهای کشور کنید. البته در بیانات دوستان هم هست؛ در دیدارهای دانشجویی و دانشگاهی هم که من ماه رمضان و غیر ماه رمضان گاهی داشتم، این را تکرار میکنند؛ اما باید این تحقق پیدا کند، باید عملی شود. الان به ما گزارش میدهند که هفتاد درصد مقاله‌های علمی ما ناظر به نیازهای کشور نیست. نمیدانم چقدر این آمار دقیق است، اما به من اینجور گزارش میشود. این همه شما زحمت بکشید، مقاله‌ی علمی تهیه کنید، از این مقالات علمی سی درصد ناظر به نیازهای کشور باشد، هفتاد درصد نه! خب، انسان احساس خسارت میکند. باید صد درصد کار علمی، تلاش علمی، تهیه‌ی مقاله‌ی علمی ناظر باشد به نیازهای شما. شما با I.S.I هم بر این اساس همکاری کنید. آنجائی که مقاله‌ی مورد قبول I.S.I چیزی است که شما میتوانید در کشور از آن استفاده کنید، آن را دنبال کنید. ما معیار اساسی در دست داریم؛ معیار ما این است که کشور ما صدها خلل و مشکل و خلا دارد، میخواهیم اینها را پر کنیم. این هم یک نکته‌ی بسیار اساسی است. البته این بیش از همه احتیاج دارد به همان روش سیستمی که یکی از دوستان اشاره کردند، و تلاشی که بنیاد نخبگان باید در این زمینه انجام دهد.

توصیه‌ی دیگر من این است که عزیزان! از خودتان مراقبت کنید. مراد من مراقبت فیزیکی نیست. مراقبت کنید در معنویت، در تهذیب نفس؛ این به شما کمک خواهد کرد. باید بتوانیم چهره‌ی مقبولی در پیشگاه الهی برای خودمان درست کنیم. شما جوانید؛ دل‌هاتان پاک است، روح‌هاتان شفاف است. دست یافتن به رتبه‌ها و مقامات معنوی و روحی در سنینی که شما هستید، شاید بشود گفت ده برابر آسانتر است برای کسی در سنین من. میتوانید توجه پیدا کنید، میتوانید توسل پیدا کنید، میتوانید با خدا انس پیدا کنید، میتوانید خودتان را از گناهان دور نگه دارید؛ یکی از خصوصیات جوان همین است. شما مثلاً جسم یک ژیمناست جوان را در تحرکات گوناگونش نگاه کنید، ببینید چقدر عضلات و بندهای بدن او قابل انعطافند؛ که یک آدم مستی مثل بنده، به هیچ وجه یک صدم آن را هم نمیتواند برای خودش به وجود بیاورد. این قدرت انعطاف، یک توانائی است. عین همین، در روح وجود دارد؛ در جان انسان، در دل انسان وجود دارد. شما میتوانید خودتان را متوجه به معانی مترقی و متعالی معنوی کنید؛ این را برای خودتان در





نظر بگیرید. توجه به نماز، اهتمام به نماز، خیلی تأثیر دارد. نماز را با توجه خواندن، اول وقت خواندن، با حضور قلب خواندن، با تمرکز خواندن، خیلی خیلی اثر دارد. انس با قرآن، خیلی خوب است. هر روزی يك مقدار قرآن بخوانید، ولو نیم صفحه؛ مواظب باشید ترك نشود. قرآن را باز کنید؛ نیم صفحه، دو آیه، با توجه بخوانید. اینها مستمرند. این، آن مراقبت از معنویت و تهذیب نفس است. بگذارید يك نخبه‌ی علمی - که ان شاء الله يك روزی در اوج قله‌های علم خواهد بود - آنچنان در معنویت غرق باشد که بتواند این دانش را به طور خالص و صددرصد به نفع بشریت به کار ببرد. وقتی دل شما با خدا بود، دانش شما دیگر در خدمت بمب اتم یا سلاح سمّی یا شیوه‌های اقتصادی نابود کننده‌ی ثروت ملتها به کار نمی‌رود. امروز دانشمند اقتصادی دنیا، دانشمند اتمی دنیا، دانشمندهای گوناگون علوم زیستی در دنیا، بسیاری از فرآورده‌های علمی‌شان در اهلاك بشریت، نابودی جسم بشر یا روح بشر دارد به کار می‌رود. علم است که میتواند ماده‌ی مخدر کننده‌ای مثل این موادی که امروز وجود دارد، به وجود بیاورد؛ اینها هم از راه علم به وجود آمده؛ اینها خیانت‌های بزرگ صاحبان علم است؛ به خاطر دل‌های غافل، چشم‌های حریص به پول و زندگی دنیا و مادیت، که بکلی معنویات را فراموش میکنند. شما وقتی مهذب بودید، دانش شما به طور صددرصد به نفع انسانها تمام میشود. این مراقبت اول.

مراقبت بعدی، مراقبت در تفکر است. فرموده‌اند بزرگترین عبادت، تفکر است؛ تفکر در آفرینش، تفکر در وظائف انسان، تفکر در زندگی دنیا، تفکر درباره‌ی آخرت، تفکر در اوضاع سیاسی عالم، تفکر در مسائل اصولی و اساسی زندگی بشر. ما تحول در علم و پیشرفت در علم داریم، پیشرفت در فکر هم باید پیدا کنیم. اندیشه و تفکر است که خط و جهت و سمت تلاش‌های علمی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع را ترسیم میکند. این هم مراقبت دوم. بعد هم مراقبت نسبت به وضعیت کشورتان؛ نگاه درست و دقیق به مسائل کشور، تحلیل مسائل کشور. امروز نخبگان ما میتوانند در این زمینه‌ها خیلی کارهای خوبی انجام دهند. ما امروز در يك میدان وسیعی در مقابله‌ی با جبهه‌ی دشمن قرار گرفته‌ایم؛ آن جبهه، جبهه‌ی ضعیفی نیست؛ جبهه‌ی تهیدستی نیست؛ پول دارد، تبلیغات دارد، رسانه دارد، علم دارد، سیاست و توانائی‌های سیاسی دارد؛ اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در مقابل همه‌ی فشارهای او ایستاده. همه جور هم فشار وارد میکنند؛ از فشار امنیتی و نظامی و ترور و ایجاد اغتشاش و غیره بگیرید، تا فشار سیاسی، تا فشار اقتصادی، تا تحریم، و از این قبیل کارها. ملت در مقابل همه‌ی اینها ایستاده و پیش رفته. سی و سه سال است که این فشارها وجود دارد و ملت ایران و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، با رشادت و با توانائی ایستاده؛ هم فشارها را خنثی کرده، هم خودش را قوی کرده.

در نقشه‌ی کنونی دنیا، در این کالکی که امروز وضعیت جایگاه و موقعیت نیروهای سیاسی دنیا و جغرافیای سیاسی دنیا را ترسیم کرده و وجود دارد، جایگاه خودمان را، جایگاه ملت ایران را، جایگاه نظام جمهوری اسلامی را گم نکنیم؛ ما کجائیم؟ در چه وضعیتی هستیم؟ زورآزمائی‌ها را ببینید، فشارها را ببینید، ناکامی‌های دشمن را مشاهده کنید. البته فشارها خیلی زیاد است - از جوانب مختلف - اما اینکه ما تصور کنیم با فلان تصمیم، با فلان تدبیر و اقدام، موجب شدیم که دشمنی به طرف ما جلب شود، این غلط است؛ این درست نیست. ملت ایران به خاطر جایگاه مستقل خودش، به خاطر تسلیم نشدن در مقابل نظام سلطه‌ی بین‌المللی، مورد این تهاجم‌هاست. چون ملت در مقابل این نظام سلطه تسلیم نشده، فشار می‌آورند که تسلیمش کنند. نه تنها نتوانستند او را وادار به تسلیم کنند، بلکه او در جایگاه خودش پافشاری‌اش هم بیشتر شده، قدرت و توانائی‌اش هم بیشتر شده. این، دشمنان را دچار عصبانیت و هیجانهائی میکند که اشتباهاتی هم بر اثر این هیجانها از آنها سر میزند؛ که انسان از اشتباهات آنها هم میتواند منتفع شود. بنابراین نخبگان عزیز ما جایگاه نظام جمهوری اسلامی را بدانند.

و من به شما عرض بکنم؛ با ثروت نیروی انسانی که امروز خوشبختانه کشور ما از آن برخوردار است، خواهیم توانست از تمام این گردنه‌های دشوار عبور کنیم. رسیدن به قله، بدون عبور از گردنه‌ها، يك خیال باطل است. گاهی



شما در خانه نشسته‌اید - من بارها مثال میزنم - از پنجره‌ی خانه نگاه میکنید، کوههای البرز را می‌بینید که افراد دارند روز جمعه یا غیر جمعه از يك جا بالا میروند. انسان از درون همان اتاقی که نشسته، خودش را کنار اینها و در قله مشاهده میکند؛ در حالی که در قله نیست. اگر بخواهید به قله برسید، باید بروید از همین پائین کوه شروع کنید، حرکت کنید، سختی‌ها را تحمل کنید، عرق بریزید، خسته بشوید، مشکلات فراوانی را در راه تحمل کنید، بالاخره هم به قله برسید. رسیدن به قله در مثال کوهپیمائی، صرفاً يك ورزش است؛ رسیدن به هوای آزاد و احساس رضایت و دلشادی است؛ اما در حرکت يك ملت، رسیدن به قله، یعنی رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، رسیدن به آرامش، به آسایش، به همه‌ی خوشبختی‌هایی که يك ملت میتواند برای خودش ترسیم کند. با این ثروتی که کشور ما دارد - هم ثروت انسانی، هم ثروت طبیعی - به توفیق الهی ملت ایران از همه‌ی این گذرگاه‌های خطرناک و پیچهای دشوار و سربالائی‌های سخت عبور خواهد کرد و ان شاءالله به قله خواهد رسید.

امیدوارم خداوند متعال همه‌ی شماها را محفوظ بدارد؛ مسئولین را هم بر وظائف مهمی که برعهده‌شان هست، موفق بدارد و ان شاءالله روزبه‌روز ما شما را در پیشرفت و در ترقی ببینیم و ان شاءالله خدای متعال کشور ما را و ملت ما را از همه‌ی این میدانها سربلند بیرون بیاورد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

(1) ابراهیم: 25